فصلنامه علمی تخصصی انگاره های نو در تحقیقات آموزشی؛ سال پنجم، شماره ، ۱۷،صص ۱۲۴-۱۳۳

شاپای الکترونیکی:۹۱۶۹-۲۹۸۰

مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات ناشی از تغییر مقررات واردات کالا

لیلا کاظمی[۱] محمدرحیم بهبهانی*[۲]

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

چکیده

مقدمه و هدف: تغییر ناگهانی ضوابط ثبت سفارش، تعرفه‌ها و ممنوعیت‌های وارداتی ممکن است برای فعالان اقتصادی خسارت ایجاد کند. این پژوهش با هدف تبیین معیارهای تفکیک ریسک متعارف تجاری از خسارت قابل انتساب به تصمیمات اداری و بررسی حدود مسئولیت مدنی دولت در حقوق ایران با بهره‌گیری از حقوق تطبیقی انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تحلیل حقوقی متون انجام شد. مواد قانونی مرتبط، به‌ویژه ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات، ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و مواد ۱۰ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، همراه با آرای منتخب قضایی و نمونه‌های شناخته‌شده حقوق تطبیقی بررسی شدند. معیار تحلیل، نوع تصمیم، وضعیت حقوقی واردکننده، ضرر و رابطه سببیت بود.

یافته‌ها: صرف تغییر مقررات واردات یا ورود زیان اقتصادی، لزوماً مسئولیت مدنی دولت را ثابت نمی‌کند. در مقابل، نقض تکالیف قانونی اعلام و اجرای مقررات، تعرض به حقوق مکتسبه و احراز ضرر مستقیم و رابطه سببیت می‌توانند مبنای طرح مسئولیت باشند. رویه دیوان عدالت اداری در حمایت از برخی وضعیت‌های ثبت سفارش و اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۰ این قانون در سال ۱۴۰۲، در تعیین مسیر رسیدگی به خسارت اهمیت دارند.

نتیجه‌گیری: ارزیابی مسئولیت دولت باید بر مشروعیت و شیوه اجرای مقرره، میزان حمایت قانونی از وضعیت واردکننده، قابل اثبات بودن خسارت و صلاحیت مرجع رسیدگی استوار باشد. اجرای مؤثر تکالیف اطلاع‌رسانی، رعایت حقوق مکتسبه و استفاده از دوره‌های انتقالی می‌تواند از اختلاف‌های ناشی از تغییر مقررات بکاهد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی دولت، واردات کالا، تغییر مقررات، اعتماد مشروع، امنیت حقوقی، حقوق تجارت بین‌الملل.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.

[۲] * استادیار، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول).

Mohammadrahimbehbahani@iau.ac.ir

مقدمه

مسئولیت مدنی دولت از مهم‌ترین مباحث حقوق عمومی و خصوصی معاصر است. گسترش نقش دولت در تنظیم اقتصاد، تجارت خارجی، سیاست‌های ارزی و گمرکی سبب شده است تصمیمات و مقررات دولتی به صورت مستقیم بر حقوق و منافع اشخاص اثر بگذارد. در این میان، تغییر مقررات مربوط به واردات کالا از جمله تغییر تعرفه‌ها، ضوابط ثبت سفارش، تخصیص ارز، ممنوعیت یا محدودیت واردات و الزامات گمرکی می‌تواند هزینه‌ها و ریسک‌های قابل توجهی برای واردکنندگان و سرمایه‌گذاران ایجاد کند (کاتوزیان، ۱۳۹۳؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸).

در حقوق ایران، مبانی بررسی این مسئله در قانون مسئولیت مدنی، قانون دیوان عدالت اداری، قانون مقررات صادرات و واردات و قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار پراکنده است. به‌ویژه، ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات رعایت حقوق مکتسبه و انتشار تغییرات مربوط به آیین‌نامه و جداول وارداتی را پیش‌بینی می‌کند و ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار بر اطلاع‌رسانی پیشینی تغییر سیاست‌ها و مقررات اقتصادی تأکید دارد. مسئله اصلی آن است که چگونه می‌توان میان زیان ناشی از ریسک متعارف تجارت و خسارت قابل انتساب به نقض تکلیف قانونی دستگاه اجرایی تمایز نهاد.

در حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی نیز حق دولت در تنظیم اقتصاد در کنار تعهدات احتمالی ناشی از معاهدات و استانداردهای رفتار با سرمایه‌گذار بررسی می‌شود. بااین‌حال، معیارهایی مانند رفتار منصفانه و عادلانه و حمایت از انتظار مشروع صرفاً در صورت وجود مبنای صلاحیتی و تعهد معاهده‌ایِ قابل اعمال، برای سرمایه‌گذار الزام‌آور خواهند بود؛ ازاین‌رو، تعمیم مستقیم این قواعد به همه واردکنندگان در حقوق داخلی ایران صحیح نیست (نیوکمب و پارادل، ۲۰۰۹؛ دالزر و همکاران، ۲۰۲۲).

مسئله اصلی زمانی بروز می‌کند که فعال اقتصادی بر مبنای مقررات موجود، قرارداد خرید منعقد کرده، ثبت سفارش انجام داده، ارز تأمین کرده یا کالا را حمل کرده است و سپس مقررات به نحوی تغییر می‌کند که امکان ورود یا ترخیص کالا از بین می‌رود یا هزینه اجرای معامله به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد. در چنین وضعی باید روشن شود آیا زیان ناشی از خطر ذاتی فعالیت تجاری است یا به دلیل نحوه تصمیم‌گیری و اجرای مقرره، قابل انتساب به دولت است.

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی میان تقصیر شخصی مأموران، خسارت منتسب به نقص وسایل و تشکیلات اداری و زیان‌های ناشی از اعمال حاکمیت تمایز می‌گذارد. در خصوص اعمال حاکمیتی، حکم مربوط به معافیت دولت باید با توجه به شرایط قانونی آن، از جمله ضرورت اقدام برای تأمین منافع اجتماعی و رعایت قانون، تفسیر شود؛ بنابراین نمی‌توان از این ماده مصونیت مطلق دولت یا مسئولیت خودکار آن را نتیجه گرفت. اصول ۲۲، ۴۰، ۴۷، ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی نیز در ارزیابی مشروعیت اقدامات اداری و حمایت از حقوق اشخاص اهمیت دارند.

هدف پژوهش حاضر ارائه چارچوبی حقوقی برای تشخیص حدود مسئولیت دولت در تغییر مقررات واردات است. پرسش اصلی این است که با توجه به قوانین و رویه قضایی ایران، در چه شرایطی خسارت واردکننده از ریسک متعارف تجاری فراتر می‌رود و به اقدام مسئولیت‌زای دولت منتسب می‌شود؟ نوآوری مورد نظر، تلفیق معیارهای مشروعیت تصمیم، حقوق مکتسبه، تکالیف اطلاع‌رسانی، نوع خسارت و رابطه سببیت با تحلیل صلاحیت مراجع رسیدگی و مقایسه محدود با حقوق فرانسه و سرمایه‌گذاری بین‌المللی است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی ـ تحلیلی با رویکرد تحلیل حقوقی متون و مطالعه تطبیقی محدود است. واحدهای تحلیل شامل مقررات قانونی ایران، آرای قضایی مرتبط با تغییر ضوابط واردات و منابع پایه حقوق تطبیقی است. مواد ۴ قانون مقررات صادرات و واردات، ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و ۱۰ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری به دلیل ارتباط مستقیم با موضوع انتخاب شدند. برای بررسی رویه قضایی، دادنامه‌های ۹۱۵ و ۹۱۶ مورخ ۲۹/۰۳/۱۳۹۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، و برای مقایسه محدود، آرای(کویتس[1]،۱۹۲۳ و لافرت[2]،۱۹۳۸) و شورای دولتی فرانسه مبنا قرار گرفتند. اسناد بر اساس پنج محور مشروعیت اقدام، وضعیت حقوقی واردکننده، تکالیف اطلاع‌رسانی، ضرر و رابطه سببیت و مرجع جبران تحلیل شدند. این پژوهش مدعی بررسی جامع یا نمونه‌گیری نظام‌مند از تمام آرای منتشرشده نیست.

یافته‌ها

مبانی و ارکان مسئولیت مدنی دولت در تغییر مقررات واردات کالا

مسئولیت مدنی در معنای عام، تعهد به جبران زیان قابل انتساب به رفتار شخص است. در تغییر مقررات واردات، ابتدا باید مرجع تصویب‌کننده، حدود اختیار و تکلیف قانونی نقض‌شده مشخص شود؛ سپس ورود ضرر و رابطه سببیت میان اقدام اداری و خسارت بررسی گردد. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت شخصی مأمور در صورت تقصیر، مسئولیت دستگاه ناشی از نقص وسایل و تشکیلات اداری و وضعیت خاص اعمال حاکمیتی ضروری و قانونی را از هم جدا می‌کند. در نتیجه، تغییر یک مقرره قانونی به‌تنهایی، یا صرف ورود زیان به واردکننده، مسئولیت دولت را اثبات نمی‌کند.

خسارت قابل مطالبه باید از لحاظ وقوع، میزان و انتساب به اقدام دولت با دلیل قابل احراز باشد. برای نمونه، هزینه اضافی انبارداری یا دموراژ، افزایش هزینه ترخیص، هزینه‌های بلااستفاده و خسارت ناشی از تأخیر ممکن است حسب شرایط پرونده قابل بررسی باشند؛ اما هر یک نیازمند سند، رابطه سببیت و سنجش نقش عوامل مستقلی نظیر نوسان ارز، تأخیر طرف قراردادی و تصمیم خود تاجر است. منافع احتمالی نیز بدون احراز شرایط

[1] Couitéas
[2] La Fleurette

قانونی و قابلیت اثبات، نباید به‌صورت خودکار خسارت قابل جبران تلقی شوند. در ارزیابی میزان زیان، اقدام متعارف زیان‌دیده برای جلوگیری از افزایش خسارت نیز اهمیت دارد.

در حقوق ایران، اصول منع اضرار، حمایت از مالکیت مشروع و امکان رسیدگی قضایی به تصمیمات اداری، بستر حقوقی ارزیابی رفتار دستگاه اجرایی را فراهم می‌کنند. با وجود این، باید میان «ابطال مقرره» که به مشروعیت تصمیم مربوط است و «حکم جبران خسارت» که علاوه بر مبنای مسئولیت به احراز ضرر و رابطه سببیت نیاز دارد، تفکیک کرد. چنین تفکیکی از نتیجه‌گیری کلی درباره مسئولیت دولت صرفاً بر اساس ابطال یک بخشنامه جلوگیری می‌کند.

حدود اختیار تنظیم‌گری دولت و معیارهای تحقق مسئولیت

تغییر مقررات واردات اصولاً می‌تواند در چارچوب صلاحیت قانونی دولت و برای اهدافی چون مدیریت تجارت خارجی، حفظ منابع ارزی یا حمایت از تولید داخلی انجام شود. بنابراین، صرف افزایش تعرفه یا وضع محدودیت وارداتی، به معنای تقصیر یا ایجاد دین جبران خسارت نیست. بررسی مسئولیت زمانی آغاز می‌شود که حدود اختیار، تشریفات تصویب و انتشار، وضعیت حقوقی اشخاص پیش از تغییر و تناسب میان هدف عمومی و زیان تحمیل‌شده ارزیابی شود.

امنیت حقوقی به معنای ثبات مطلق مقررات نیست، بلکه اقتضا می‌کند تغییرات تا حد امکان روشن و قابل پیش‌بینی باشند. در حقوق ایران، این انتظار صرفاً یک توصیه سیاستی نیست: ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات بر لحاظ حقوق مکتسبه هنگام تغییر مقررات و انتشار آن‌ها تأکید می‌کند و ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۴۰۲ آن، تکالیف اطلاع‌رسانی پیش از اجرای تغییرات اقتصادی را مقرر کرده‌اند. بااین‌حال، نقض هر تکلیف اداری فقط در صورت احراز سایر ارکان مسئولیت، می‌تواند به مطالبه خسارت منجر شود.

الزامات اعلام تغییرات و حمایت قانونی از واردکنندگان

ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات، مرجع تهیه تغییرات مقررات و جداول مربوط را به رعایت حقوق مکتسبه و انتشار تغییرات پس از تصویب هیئت وزیران مقید می‌کند. از سوی دیگر، ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، دولت و دستگاه‌های اجرایی را به اطلاع‌رسانی تغییر سیاست‌ها و مقررات اقتصادی در زمان مناسب پیش از اجرا ملزم می‌سازد. آیین‌نامه اجرایی این ماده مصوب ۱۴۰۲ نیز جزئیات اطلاع‌رسانی و زمان‌های مقرر را بیان کرده است. نقض این الزامات می‌تواند در تشخیص مشروعیت تصمیم مؤثر باشد، هرچند جبران خسارت همچنان مستلزم احراز ارکان دعواست.

اعتماد مشروع زمانی قابل طرح است که رفتار یا تضمین مشخص و معتبر دستگاه اداری، انتظار معقول و قابل اتکایی در شخص ایجاد کرده باشد. ثبت سفارش و انجام هزینه‌های مقدماتی، بسته به شرایط قانونی و اقدامات

انجام‌شده، در ارزیابی این انتظار اهمیت دارند؛ ولی به‌تنهایی برای احراز هر نوع حق مکتسب یا تضمین ثبات همه مقررات کافی نیستند. حمایت از اعتماد مشروع نیز حق تنظیم‌گری دولت را از میان نمی‌برد و بیش از همه بر نحوه تغییر، اطلاع‌رسانی و رعایت ترتیبات انتقالی اثر می‌گذارد.

حقوق مکتسبه باید از انتظار مشروع تفکیک شود. حق مکتسب به وضعیت حقوقی تثبیت‌شده مطابق مقررات حاکم اطلاق می‌شود؛ درحالی‌که انتظار مشروع ممکن است با وجود یک مبنای رسمی و قابل اتکا هنوز به حق کامل تبدیل نشده باشد. بر اساس ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات، تغییر جداول و مقررات باید با لحاظ حقوق مکتسبه انجام شود. برای تشخیص حمایت در هر پرونده، زمان ثبت سفارش، اعتبار مجوزها، ورود کالا، مراحل گمرکی و مفاد مقرره جدید باید به‌طور جداگانه بررسی گردد.

نمونه قضایی حمایت از وضعیت قانونی ثبت سفارش

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه‌های شماره ۹۱۵ و ۹۱۶ مورخ ۲۹/۰۳/۱۳۹۷، فراز مورد اعتراض از بخشنامه گمرکی ناظر بر محدودیت واردات برنج را در حدی که حقوق اشخاص دارای ثبت سفارش و موافقت مراجع قانونی را نادیده می‌گرفت، ابطال کرد. این آرا نشان می‌دهند که وضعیت حقوقی تثبیت‌شده واردکننده باید هنگام اعمال محدودیت جدید بررسی شود. بااین‌همه، نتیجه رأی درباره ابطال مقرره نباید به‌منزله صدور حکم مستقل جبران خسارت برای هر واردکننده تفسیر گردد (هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۷).

اصل تناسب در سنجش تصمیم اداری مستلزم توجه به هدف عمومی، ضرورت اقدام و میزان بار تحمیل‌شده به اشخاص است. در مقررات واردات، پیش‌بینی مهلت انتقالی، اطلاع‌رسانی به‌موقع و پرهیز از تبعیض از معیارهای ارزیابی شیوه اعمال اختیار محسوب می‌شوند. بااین‌حال، این اصول جایگزین بررسی مواد قانونی لازم‌الاجرا و عناصر دعوای مسئولیت مدنی نیستند؛ بلکه به تفسیر و اجرای تکالیف دستگاه اجرایی کمک می‌کنند.

جایگاه حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق تطبیقی

در حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، حمایت از انتظار مشروع و استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه در چارچوب معاهدات و قواعد قابل اعمال بررسی می‌شود؛ اما هر تغییر نامطلوب مقررات، نقض معاهده نیست. وجود تعهد مشخص دولت، شرایط معاهده، کیفیت رفتار نهاد عمومی و وضعیت سرمایه‌گذار اهمیت دارد (نیوکمب و پارادل، ۲۰۰۹؛ دالزر و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، این معیارها در مقاله حاضر نقش تطبیقی و تحلیلی دارند و نباید با قواعد لازم‌الاجرای حقوق داخلی یا حمایت خودکار از همه قراردادهای وارداتی یکسان شمرده شوند.

در داوری‌های سرمایه‌گذاری، ارزیابی انتظار مشروع غالباً به تضمین‌های مشخص دولت، چارچوب حقوقی حاکم و پیش‌بینی‌پذیری تغییرات وابسته است. این رویکرد تنها از نظر روش تحلیل با وضعیت واردکنندگان قابل مقایسه است؛ زیرا تحقق مسئولیت بین‌المللی نیازمند احراز شمول شخص و سرمایه‌گذاری بر معاهده مربوط و صلاحیت

مرجع داوری است. از این رو، نتیجه‌گیری درباره مسئولیت دولت در برابر واردکننده ایرانی باید نخست بر قوانین و آرای داخلی مبتنی باشد.

مطالعه تطبیقی پژوهش حاضر نشان می‌دهد در حقوق اداری فرانسه، در شرایط محدود، امکان مسئولیت بدون تقصیر دولت بر مبنای برابری در تحمل هزینه‌های عمومی پذیرفته شده است. در رأی Couitéas مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۲۳، شورای دولتی فرانسه درباره جبران پیامدهای امتناع قانونی از اجرای حکم قضایی بحث کرد؛ رأی La Fleurette مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۳۸ نیز نمونه‌ای شاخص از مسئولیت دولت در قبال زیان خاص ناشی از قانون است (Conseil d'État, ۱۹۲۳، ۱۹۳۸). این آرا صرفاً نمونه‌های تطبیقی‌اند و آثار حقوقی آن‌ها به‌طور مستقیم در نظام حقوقی ایران قابل اعمال نیست.

در مقایسه، قواعد حقوق ایران درباره مسئولیت ناشی از تصمیمات اقتصادی بیشتر از مسیر تقصیر، تخلف از تکلیف قانونی و احراز خسارت بررسی می‌شوند. استفاده از الگوی مسئولیت بدون تقصیر در موارد استثنایی می‌تواند به‌عنوان پیشنهاد تقنینی مطرح شود؛ ولی تا زمان وجود مبنای معتبر قانونی یا قضایی، نمی‌توان آن را قاعده عام و لازم‌الاجرای جبران تمام زیان‌های ناشی از سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران تلقی کرد.

نقش دیوان عدالت اداری و سازوکارهای جبران خسارت

دیوان عدالت اداری مرجع مهم رسیدگی به شکایات از اقدامات و مقررات اداری است. هیئت عمومی دیوان می‌تواند در حدود صلاحیت قانونی، مقررات مغایر قانون یا خارج از حدود اختیار را ابطال کند و شعب دیوان نیز به دعاوی مقرر در قانون رسیدگی می‌کنند. برای ارزیابی اثر ابطال، ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری اهمیت دارد؛ بر اساس آن، اثر ابطال اصولاً از تاریخ صدور رأی است، مگر در مواردی که قانون اجازه تسری اثر به زمان تصویب مقرره را داده باشد. ابطال مقرره نیز به‌تنهایی تمام ارکان مسئولیت مدنی یا میزان زیان را احراز نمی‌کند.

صلاحیت مطالبه خسارت باید با توجه به تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری (۱۴۰۲) بررسی شود. اصل رسیدگی به دعاوی خسارت در صلاحیت دادگاه عمومی است؛ اما در موارد مقرر، هنگامی که خسارت از تخلف دستگاه‌های مشمول در اجرای وظایف قانونی و اختصاصی یا ترک فعل مربوط ناشی شده باشد، شعبه دیوان ضمن احراز تخلف، درباره اصل مطالبه و میزان خسارت نیز تصمیم می‌گیرد. بنابراین، ادعای لزوم مراجعه جداگانه به دادگاه عمومی در همه موارد صحیح نیست و مرجع صالح باید بر اساس منشأ خسارت و نوع دعوا تشخیص داده شود.

از منظر زمانی نیز ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری میان اثر عادی ابطال از تاریخ رأی و موارد استثنایی تسری اثر به زمان تصویب مقرره تفاوت قائل شده است. در دعاوی مرتبط با خسارت‌های پیش از ابطال، بررسی این قاعده و تصمیم صریح هیئت عمومی درباره اثر زمانی اهمیت دارد. همچنین در همه موارد باید جداگانه احراز شود که زیان ادعایی مستقیماً از اقدام مسئولیت‌زا ناشی شده است.

اصلاح کارآمد نظام جبران خسارت علاوه بر روشن‌سازی حدود صلاحیت‌ها، به ارائه مدارک قابل اتکا درباره هزینه‌های واردات، استفاده از کارشناسی تخصصی و تفکیک میان خسارت ناشی از مقرره و عوامل مستقل تجاری نیاز دارد. انتشار پیش‌نویس‌ها و اطلاع‌رسانی پیشینی تصمیمات اقتصادی در چارچوب ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و آیین‌نامه اجرایی آن نیز می‌تواند از شکل‌گیری اختلاف جلوگیری کند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۱).

نتیجه‌گیری

بررسی مقررات و نمونه‌های قضایی نشان داد که تغییر مقررات واردات کالا، در حدود اختیارات قانونی دولت، به‌تنهایی موجب مسئولیت مدنی نمی‌شود. معیار اصلی، تفکیک ریسک متعارف تجارت از زیان قابل انتساب به نقض تکلیف قانونی یا اقدام مسئولیت‌زای دستگاه اجرایی است. این تفکیک باید با توجه به مشروعیت تصمیم، وضعیت حقوقی واردکننده، نوع خسارت و رابطه سببیت انجام شود.

در حقوق ایران، ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات و ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار تکالیف مهمی درباره لحاظ حقوق مکتسبه و اطلاع‌رسانی تغییرات ایجاد کرده‌اند. همچنین، اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری در سال ۱۴۰۲ اقتضا می‌کند صلاحیت مطالبه خسارت بر مبنای منشأ تخلف و نوع دعوا تعیین شود؛ ازاین‌رو، نمی‌توان درباره لزوم مراجعه به دادگاه عمومی یا صلاحیت دیوان حکم کلی صادر کرد.

آرای ۹۱۵ و ۹۱۶ مورخ ۲۹/۰۳/۱۳۹۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نمونه‌ای از اهمیت حمایت از وضعیت حقوقی واردکنندگان دارای ثبت سفارش و موافقت قانونی است؛ بااین‌حال، ابطال محدودیت اداری جایگزین احراز ضرر مستقیم، میزان خسارت و رابطه سببیت نیست. بررسی هر دعوا باید میان انتظار تجاری، اعتماد مشروع و حقوق مکتسبه تفکیک کند و اثر زمانی ابطال مقرره را نیز مدنظر قرار دهد.

از منظر اصلاحی، پیشنهاد می‌شود اجرای مؤثر تکالیف اطلاع‌رسانی و شفافیت مقررات در اولویت قرار گیرد و در مواردی که قواعد موجود پاسخ‌گو نیستند، حدود مسئولیت ناشی از اعمال حاکمیتی و امکان جبران زیان خاص و نامتعارف با وضع مقررات روشن‌تر مشخص شود. استفاده از تجربه حقوق فرانسه در زمینه مسئولیت بدون تقصیر می‌تواند برای بحث تقنینی سودمند باشد، نه برای اثبات وجود خودکار چنین مسئولیتی در حقوق ایران.

در سطح اجرایی و قضایی، ارزیابی آثار مقررات پیش از تصویب، کاهش تصمیمات متعارض، توجه به دوره‌های انتقالی، اجرای ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات و ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و تقویت رویه قضایی مستند می‌تواند به کاهش دعاوی کمک کند. همچنین توصیه می‌شود در پژوهش‌های بعدی، آرای متعدد و مرتبط با تغییر تعرفه، ثبت سفارش و ترخیص کالا به روش نظام‌مند بررسی شوند.

به قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود با روشن‌کردن معیارهای احراز زیان قابل انتساب به اقدامات تنظیم‌گرانه و تعیین رابطه آن با حقوق مکتسبه و اعمال حاکمیت، از ابهام در دعاوی جبران خسارت بکاهد.

به دستگاه‌های اجرایی نیز پیشنهاد می‌شود تغییر ضوابط ثبت سفارش، تعرفه و ترخیص را با هماهنگی نهادهای مرتبط، اعلام به‌موقع و رعایت وضعیت‌های حقوقی تثبیت‌شده انجام دهند و مستندات و دلایل تصمیمات را برای امکان نظارت قضایی ثبت و منتشر کنند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش با رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در پژوهش‌های حقوقی و با اتکا به منابع، قوانین و اسناد مورد استناد انجام شده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

ابراهیمی، حمید. (۱۴۰۰). حقوق گمرکی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات جنگل.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۴۰۱). حقوق اداری (جلد اول و دوم، چاپ هفدهم). تهران: سمت.

صفایی، سید حسین، و رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی. تهران: سمت.

شیروی، عبدالحسین. (۱۴۰۲). حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: سمت.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳). الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی) (جلد اول). تهران: شرکت سهامی انتشار.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۹۰.

قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات و الحاقات ۱۴۰۲ (به‌ویژه تبصره ۱ ماده ۱۰ و ماده ۱۳).

قانون مقررات صادرات و واردات، مصوب ۱۳۷۲، با اصلاحات بعدی.

قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹.

قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، مصوب ۱۳۹۰، با اصلاحات بعدی (ماده ۲۴).

آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، مصوب هیئت وزیران در ۱۵/۱۱/۱۴۰۲.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری. (۲۹/۰۳/۱۳۹۷). دادنامه‌های شماره ۹۱۵ و ۹۱۶، ابطال فراز مربوط به محدودیت واردات برنج در بخشنامه گمرکی.

.Craig, P., & de Búrca, G.(2020). EU Law: Text, Cases, and Materials 7th ed
.Oxford University Press

Dolzer, R., Kriebaum, U., & Schreuer, C. .(2022).Principles of International Investment Law3.rd ed. Oxford University Press

.Newcombe, A., & Paradell, L(2009).Law and Practice of Investment .Treaties: Standards of Treatment. Kluwer Law International

OECD.(2021).OECD Regulatory Policy Outlook ۲۰۲۱, OECD Publishing

.Tridimas, T.(2006).The general principles of EU law (۲nd ed.). Oxford .University Press.

Civil Liability of the State for Losses Arising from Changes in Import Regulations

Leila Kazemi[1], Mohammad Rahim Behbahani*[2]

Abstract

Introduction and Objective: Regulatory changes governing import registration, tariffs, and restrictions may cause losses to commercial actors. This study examines when such losses can be legally attributed to the state rather than to ordinary business risk, focusing on Iranian administrative and civil liability law and limited comparative perspectives.

Research Methodology: A doctrinal, descriptive-analytical approach was applied to selected Iranian laws, including Article 11 of the Civil Liability Act, Article 4 of the Export and Import Regulations Act, Article 24 of the Business Environment Improvement Act, and Articles 10 and 13 of the Administrative Justice Court Act. Selected Iranian judicial decisions and two landmark French administrative-law cases were also examined.

Findings: Regulatory change or economic loss alone does not establish state liability. Relevant considerations include the legality of the measure, compliance with notification duties, acquired rights, demonstrable direct loss, and causation. Iranian judicial practice offers examples of protecting legally established import positions. The 2023 amendment to Article 10 also affects the allocation of jurisdiction over compensation claims.

Conclusion: A legally defensible assessment must distinguish normal commercial risks from compensable injuries attributable to unlawful or liability-generating administrative action. Clearer legal criteria, advance notification, transitional arrangements, and case-specific judicial assessment can strengthen predictability while preserving regulatory discretion.

Keywords: State civil liability; Import regulations; Regulatory change; Legitimate expectations; Legal certainty; International trade law.

[1] M.A. student, Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.

[2] * Assistant Professor, Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran. (Corresponding Author). Mohammadrahimbehbahani@iau.ac.ir